

صفات شخصیتی پیش‌بینی‌کننده خودکنترلی و تنظیم عاطفی در بزهکاران:

تحلیل ارتکاب جرم بر حسب روان‌شناسی شخصیت

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۰

جعفر بهادری خسروشاهی^۱ زینب خانجانی^۲

از صفحه ۱۸ تا ۱

چکیده

زمینه و هدف: رفتار مجرمانه فرایند پیچیده و چند بُعدی است که تحت تأثیر متقابل عوامل محیطی و زمینه‌های سرشتی فردی قرار دارد. یکی از جهت‌گیری‌های مهم در مطالعه رفتار مجرمانه، بررسی پیوند بین گرایش‌های شخصیتی با ارتکاب جرم و رفتارهای بزهکارانه است. لذا بر این اساس هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی خودکنترلی و تنظیم عواطف در بزهکاران براساس صفات شخصیتی است.

روش‌شناسی: روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری کلیه بزهکاران دختر شهر تبریز هستند که در سال ۱۳۹۵ در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شوند. به علت محدود بودن جامعه مورد مطالعه، تمامی اعضا (۶۰ نفر) به روش سرشماری به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های شخصیت آیزنک، خودکنترلی تانجی و کنترل عواطف ویلیامز و همکاران استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون انجام گرفت.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که بین عامل‌های شخصیتی روان‌پریشی‌گرایی و روان‌رنجوری با خودکنترلی و کنترل عواطف رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین عامل شخصیتی روان‌پریشی‌گرایی با مؤلفه‌های خشم، خلق افسرده و اضطراب کنترل عواطف رابطه مثبت و معنادار و با عاطفه مثبت رابطه‌ای ندارد. بین عامل شخصیتی روان‌رنجورخویی با مؤلفه‌های خشم، خلق افسرده کنترل عواطف رابطه مثبت و معنادار و با اضطراب و عاطفه مثبت رابطه‌ای مشاهده ندارد. از طرفی نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند خودکنترلی و کنترل عواطف در بزهکاران پیش‌بینی کنند.

نتیجه‌گیری: شناخت بهتر صفات شخصیتی افراد بزهکار می‌تواند در درک، ارزیابی، و کنترل عواطف و خودکنترلی آن‌ها کمک نماید.

کلید واژه‌ها:

صفات شخصیتی، خودکنترلی، تنظیم عاطفی، بزهکاران.

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید مدنی تبریز، نویسنده مسئول Jafar.b2010@yahoo.com

۲. استاد گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز.

مقدمه

یکی از مسائل پیچیده و ناراحت کننده کنونی که توجه همه‌ی مسئولان را به خود معطوف کرده موضوع جرم و به اصطلاح بزهکاری است. بزهکار به شخصی گفته می‌شود که مرتکب عملی گردد که قانون ارتکاب آن را منع کرده است یا ترک عملی که انجام آن را لازم و واجب دانسته است (کفلر- وسترگرن، کلپف و میترا،^۱ ۲۰۱۰). تخلف و جرم به عنوان یکی از مشکلات اجتماعی معاصر، تأثیر منفی روی نظام‌های آموزشی، بهداشتی، مالی، شغلی و قضایی می‌گذارد (دویچ، کراکت، ولف و راسل،^۲ ۲۰۱۲). این امر نه تنها نشان دهنده‌ی بزرگی مشکل است، بلکه نیاز به درک روشن‌تری از انگیزه جوانان درگیر دارد (حیدری و نوری، ۱۳۹۵).

جرم و بزهکاری منحصر به مردان نیست، زنان هم از مشکلات اجتماعی در امان نیستند و زندگی آن‌ها، دستخوش بحران و نابسامانی می‌گردد و گاهی مرتکب جرم می‌شوند. اگرچه ممکن است تعداد زنان مجرم کمتر از مردان باشد، لیکن تأثیر اجتماعی و فرهنگی بزهکاری زنان بسیار بیشتر از مردان است. زنان به دلیل نقش مهم مادری و تربیتی و پایه و ستون خانه بودن در صورتی که مرتکب جرم شوند، اثرات منفی بسیار زیادی در خانواده دارند (شایگان و معتمدی، ۱۳۹۳). رفتار بزهکارانه فرایند پیچیده و چندوجهی است که از عوامل محیطی و زمینه‌های سرشتی فردی تأثیر می‌پذیرد که یکی از این عوامل ویژگی‌های شخصیتی است که این ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند بر خودکنترلی و کنترل عواطف در بزهکاران تأثیرگذار باشند که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. لذا بر این اساس، سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که آیا ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند تغییرات خودکنترلی و کنترل عواطف را در بزهکاران پیش‌بینی کنند؟

بیان مسئله

در سال‌های اخیر، توجه زیادی به صفات شخصیتی و بزهکاری شده است. یک رویکرد مهم در سنجش شخصیت الگوی سه عاملی آیزنک^۳ (۱۹۹۸) می‌باشد. آیزنک معتقد بود که شخصیت از صفات یا عواملی تشکیل شده است که با روش تحلیل عاملی به دست می‌آیند. نتیجه تلاش‌های آیزنک نظریه شخصیت مبتنی بر سه بعد است که به صورت ترکیبات صفات یا عوامل توصیف می‌شوند که می‌توان آن‌ها را به عنوان عوامل برتر یا فراعامل‌ها در نظر گرفت. این سه بعد شخصیت عبارتند از: برون‌گرایی در برابر درون‌گرایی، روان‌آزرده‌گرایی در برابر ثبات هیجانی، روان‌پریشی‌گرایی در برابر کنترل تکانه (محمدزاده، واحدی، قربانی و جعفری، ۱۳۹۵). براساس این دیدگاه، بزهکاران در سه بُعد مهم

1. Kofler-Westergren, Klopf & Mitterauer
2. Deutsch, Crockett, Wolff & Russell
3. Eysenck

شخصیتی یعنی روان رنجورگرایی^۱، برون‌گرایی^۲ و روان‌پریشی‌گرایی^۳ نمرات بالایی کسب می‌کنند (آیزنک و گادجانسون^۴، ۱۹۸۹).

بررسی‌ها آشکار ساخته‌اند که برون‌گراها در مقایسه با درون‌گراها با سطح پایین برانگیختگی قشر مغز مشخص می‌شوند. جهت دستیابی به سطح بهینه برانگیختگی، به هیجان و محرکات بیشتر در محیط‌شان احتیاج دارند. به دلیل توانایی برانگیختگی پایین، برون‌گراها کمتر مستعد پذیرش درد و تنبیه هستند و ترس و اضطراب کمتری را تجربه می‌کنند. بنابراین آن‌ها پاسخ‌های شرطی را به کندی می‌آموزند و نسبت به درون‌گراها کمتر جامعه‌پذیر می‌شوند (حسین‌خانزاده و طاهر، ۱۳۹۳). همچنین طبق نظر آیزنک، نمره روان‌رنجورگرایی بالا در ترکیب با نمره برون‌گرایی بالای بزهکاران به شکل خاصی رفتار ضد اجتماعی را تقویت می‌کند (آیزنک، ۱۹۷۷). در پژوهشی دیگر جونز، میلر و لیانام^۵ (۲۰۱۱) به این نتیجه دست یافتند که برخی صفات شخصیتی می‌توانند افراد بزهکار را از همسالان غیربزهکار تمیز دهند. جولیفی^۶ (۲۰۱۳) در پژوهشی در زمینه صفات شخصیتی و بزهکاری انجام داد، به این نتیجه دست یافت که توافق‌پذیری، وجدان‌گرایی و برون‌گرایی پایین با رفتارهای خودگزارشی بزهکاران در ارتباط است.

با توجه به این که انجام رفتارهای بزهکارانه در افراد با ویژگی‌های مختلف شخصیتی آن‌ها در ارتباط است و پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شناسایی علل و ریشه‌های بزهکاری و شناسایی افراد در معرض خطر در سنین اولیه که ممکن است به طور بالقوه در معرض خطر ارتکاب رفتارهای بزهکارانه باشند، در طراحی برنامه‌های مداخله‌گرایانه و پیشگیرانه بسیار مؤثر است (فريتز، ویکلون، کوپوسو، کلیتبرگ و روچکین^۷، ۲۰۰۸). از سویی ارتباط بین صفات شخصیتی عمده و بزهکاری این است که یک انسان صفات و گرایش‌های مختلفی دارد و لزوماً یک صفت واحد و منحصر به فرد نمی‌تواند پیش‌بینی کننده بروز رفتار بزهکارانه در فرد باشد، بلکه آنچه مهم است نحوه ترکیب و تعامل بین این صفات در فرد است؛ به این معنا که ممکن است یک فرد با نمره بالا در عامل روان‌آزردگی‌گرایی به رفتارهای بزهکارانه بپردازد، ولی فرد دیگری با روان‌آزردگی بالا این گونه رفتارها را بروز ندهد که این نشان می‌دهد این صفات شخصیتی تحت تأثیر خودکنترلی و کنترل عواطف در بزهکاران قرار دارند که می‌توان صفات شخصیتی را تعدیل کنند؛ لذا انجام پژوهش حاضر می‌تواند نقش صفات شخصیتی را در

1. neuroticism
2. extraversion
3. psychoticism
4. Gudjonsson
5. Jones, Miller & Lynam
6. Jolliffe
7. Fritz, Wiklund, Kopusov, Klinteberg & Ruchkin

خودکنترلی و کنترل عواطف در بزهکاران نشان دهد. همچنین هزینه‌هایی که به منظور رفع ناهنجاری-های اجتماعی، اخلاقی و خانوادگی که مجرمان باعث به وجود آمدن آن‌ها شده‌اند و هزینه‌های اقتصادی که جوامع برای نگهداری و بازپروری مجرمان متحمل می‌شوند، لزوم شناخت عوامل شکل‌دهنده‌ی آن‌ها و اهمیت اجرای چنین پژوهش‌هایی را بیش از پیش آشکار می‌کند. بنابراین با توجه به این مبانی نظری و نتایج پژوهش‌ات ضد نقیض در زمینه متغیرهای پژوهش، لزوم انجام پژوهش حاضر احساس می‌شود. لذا هدف پژوهش حاضر نقش صفات شخصیتی در پیش‌بینی‌کنندگی خودکنترلی و تنظیم عاطفی در بزهکاران بود.

مبانی نظری پژوهش

روانشناسان معتقدند که هیچ رفتاری بدون مقدمه بروز نمی‌کند، بلکه معلول چندین عامل زمینه‌ساز است. رفتارهای نابهنجار نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در این میان یکی از حوزه‌هایی که اخیراً در زمینه بزهکاری مورد توجه و پژوهش قرار گرفته است و با صفات شخصیتی افراد در ارتباط است، تغییرات تحولی در کنترل شناختی می‌باشد (بهادری‌خسروشاهی و حبیبی‌کلپیر، ۲۰۱۷). در این راستا، یکی از نظریه‌های جرم‌شناسی برجسته که غالباً در تبیین گرایش فرد به جرم و سایر رفتارهای مشکل‌زا مورد بررسی قرار گرفته است، نظریه عمومی گاتفردسون و هیرچی^۱ (۱۹۹۰) در مورد جرم است. این نظریه روی سطح خودکنترلی^۲ به عنوان یک متغیر غالب و مستقل که تعیین‌کننده‌ی اصلی بد رفتاری و رفتار مشکل‌زا است تمرکز می‌کند. گاتفردسون و هیرچی خودکنترلی را به عنوان مجموعه‌ای از مکانیزم‌هایی تعریف می‌کنند که بزهکاری و رفتارهای مشابه را کنترل می‌کند. شخصی با خودکنترلی پایین قادر نیست تا در برابر وسوسه‌ها در یک دوره کوتاه مقاومت کند. مثل شخصی که سعی دارد تا نیازهایش را به شیوه قراردادی برآورده کند اما زمانی که لازم باشد به آسانی به شیوه‌ای غیرقراردادی یا غیرقانونی این کار را انجام می‌دهد (ازینگا، ورمن، وستنبرگ و بیجلولد، ۲۰۰۸).

یکی دیگر از متغیرهایی که می‌تواند بر صفات شخصیتی بزهکاران مؤثر باشد، کنترل عواطف^۳ است. منظور از مهارت کنترل عواطف این است که فرد بیاموزد که چگونه عواطف خود را در موقعیت‌های گوناگون تشخیص، آن را ابراز و کنترل نماید (گروس،^۴ ۱۹۹۸). عواطف بخش مهم و اساسی زندگی انسان را تشکیل می‌دهند، به گونه‌ای که تصویر زندگی بدون آن پنداری دشوار است. ویژگی‌ها و تغییرات عواطف، چگونگی ارتباط‌گیری عاطفی، درک و تفسیر عواطف دیگران نقشی مهم در رشد و

1. Hirschi
2. self-control
3. Ezinga, Weerman, Westenberg & Bijleveld
4. affective control
5. Gross

سازمان شخصیت، تحول اخلاقی، روابط اجتماعی، شکل‌گیری هویت و مفهوم خود دارد (بگیان‌کوله-مرز، برقی‌ایرانی، بختی و رضایی‌فرد، ۱۳۹۳). دو دلیل مهم مطالعه کنترل عواطف این است که اولاً شمار زیادی از افراد از مشکلات عدم ناتوانی در کنترل هیجانات رنج می‌برند، زیرا مهارت خودکنترلی را نیاموخته‌اند. دوماً ناتوانی در کنترل هیجانات بر بسیاری از جنبه‌های زندگی و سلامت جسمانی و روانی، ارتباطات و کیفیت زندگی افراد در جوامع مختلف تأثیر می‌گذارد. دلیل یادگیری کنترل هیجان این است که می‌تواند به عنوان روشی برای فهم نقش هیجان در زندگی در نظر گرفته شود. کنترل روانی مستلزم متوقف کردن عمل از طریق متمرکز کردن دوباره توجه است. همچنین کنترل توجه با کنترل رفتار ارتباط دارد. کنترل روانی یکی از ابعاد مزاج است و می‌تواند به عنوان مؤلفه خودکنترلی مزاج در نظر گرفته شود و یکی از مؤلفه‌های مرکزی و مهم کنترل هیجان است (طهماسبیان، خزایی، عارفی، سعیدی‌پور و حسینی، ۱۳۹۳).

پیشینه پژوهش

تحقیقات تجربی در این زمینه نشان دادند که خودکنترلی به شکل معناداری با عوامل مخاطره‌آمیز مشخصی در بزهکاری، مثل رابطه با دیگران، عناصر پیونداجتماعی مرتبط باشد (چونگ و چونگ^۱، ۲۰۰۸). در پژوهشی ورا و مون^۲ (۲۰۱۳) با عنوان آزمون تجربی نظریه خودکنترلی پایین در میان جوانان اسپانیایی انجام شد، نشان دادند که خودکنترلی پایین اثر معناداری بر روی انواع متنوع رفتارهای بزهکارانه از جمله الکلیسم و مصرف مواد داشته است و هر قدر خودکنترلی فرد ضعیف‌تر باشد، فرد در رفتارهای بزهکارانه بیشتری درگیر می‌شود. در این راستا کولهوف، لوبر، وی، پاردینی و دیسکوری^۳ (۲۰۰۷) در پژوهشی دیگری نشان داد افراد با بهره هوشی پایین اعمال بزهکارانه بیشتری نسبت به مجرمان با بهره هوشی بالاتر مرتکب می‌شوند و به نظر می‌رسد نارسایی بازداری در بین افراد با بهره هوشی پایین نقش مهمی در سبب‌شناسی بزهکاری ایفاء می‌کند، اما بزهکاران شدید با بهره هوشی بالا از نظام خودکنترلی بهتری برخوردار هستند. دونلان، گی و ونک^۴ (۲۰۰۲) در پژوهش خود نشان دادند که روان‌آزردگی با بزهکاری مرتبط است و افراد با ویژگی‌هایی از جمله خودکنترلی پایین، خصومت‌طلبی بیشتر و نگرانی کمتری درباره بهزیستی دیگران دارند و بیشتر در معرض انجام رفتارهای بزهکارانه هستند. مارکی، مارکی و تینسلی^۵ (۲۰۰۳) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند افرادی که در روان‌آزردگی نمره بالایی کسب می‌کنند، عقاید غیرمنطقی بالایی داشته و از خودکنترلی پایینی

1. Cheung & Cheung

2. Vera & Moon

3. Koolhof, Loeber, Wei, Pardini & D'Escury

4. Donnellan, Ge & Wenk

5. Markey, Markey & Tinsley

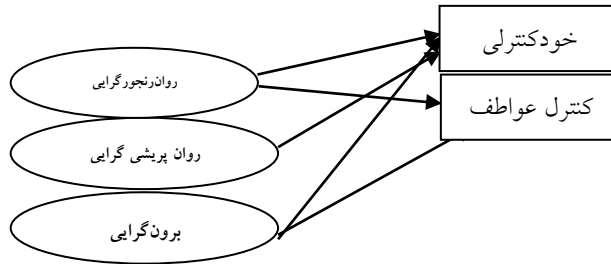
برخوردار بوده و خیلی ضعیف‌تر از دیگران با تنیدگی کنار می‌آیند و بیشتر درگیر رفتارهای بزهکارانه می‌شوند.

در زمینه کنترل عواطف و بزهکاری بائو، هس و پی^۱ (۲۰۰۴) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که کنترل عواطف مانند خشم، کینه‌توزی، اضطراب و افسردگی به عنوان متغیرهای واسطی بین تعارضات بین فردی و بزهکاری عمل می‌کنند. همچنین گیلبرت^۲ (۲۰۰۴) در پژوهشی نشان داد که اختلالات خلقی، اضطرابی و عاطفه منفی منجر به بروز انواع جرم‌ها، بزهکاری‌ها و عوامل مخل نظم، آرامش و امنیت عمومی در سطح جامعه می‌شوند. براندام و مایر^۳ (۲۰۱۲) نیز نشان دادند که میان اختلالات خلقی، عاطفه منفی، اختلال در کنش‌وری اجتماعی و فشارهای روحی با میزان بزهکاری و مشکلات مجرمان جوان ارتباط وجود دارد. از سویی در زمینه ارتباط کنترل عواطف و صفات شخصیتی در بزهکاران نتایج نشان دادند که ملایمت و عواطف مثبت به اشخاص برون‌گرا در مقایسه با درون‌گرایان کمک می‌کند که دارای شبکه روابط فردی گسترده‌تری شوند و براین اساس بتوانند به طور ماهرانه شبکه‌ای از حمایت اجتماعی را برای خود مهیا کنند و در کنار ویژگی سلطه‌گری خود بتوانند دیگران را با خود هم‌نوا و هم‌صدا سازند؛ موضوعی که در نوجوانان سردرسته گروه‌های بزهکار دیده می‌شود (حسین‌خانزاده و طاهر، ۱۳۹۳). در پژوهشی دیگر موریاتی، استوف، تیدمارش، اگر و ددنسیس^۴ (۲۰۰۱) نشان دادند افراد دارای روان‌رنجوبی پایین که توانایی تنظیم و کنترل عواطف بالایی دارند، در پیش‌بینی خواسته‌های دیگران توانایی بیشتری دارند. آن‌ها فشارهای ناخواسته دیگران را درک و هیجان‌های خود را بهتر مهار می‌کنند و در نتیجه در برابر ارتکاب جرم و مشکلات ناشی از آن مقاومت بیشتری نشان می‌دهند.

الگوی مفهومی پژوهش

در این الگو همان طور که در چارچوب نظری توضیح داده شد حاصل تلفیقی از الگوی سه عاملی آیزنک، خودکنترلی گاتفردسون و هیرچی و کنترل عواطف گروس است که با دسته‌بندی سازه‌های مفهومی ترسیم شده و در این الگو که برآمده از نظریه‌ها و چارچوب نظری تحقیق است تلاش شده تا الگوی سه عاملی شخصیت با خودکنترلی و کنترل عواطف نشان داده شود.

1. Bao, Haas & Pi
2. Gilbert
3. Fritz, Wiklund, Kuposov, Klinteberg & Ruchkin
4. Moriarty, Stough, Tidmarsh, Eger & Dennisin



منبع: پیشینه و مبانی نظری پژوهش با تأکید بر دیدگاه‌های آیزنک، گانفردسون و هریچی و گروس

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری کلیه بزهکاران دختر شهر تبریز بودند که در سال ۱۳۹۵ در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می شدند. به علت محدود بودن جامعه مورد مطالعه، تمامی اعضاء (۶۰ نفر) به روش سرشماری به عنوان نمونه انتخاب شدند و با توضیح هدف پژوهش برای آنان، محرمانه بودن پاسخ‌های آنان و کسب رضایت ایشان از آنان خواسته شد که به پرسش‌های پژوهش پاسخ گویند. نمونه آماری به دلیل ارتکاب به جرائم مختلف از جمله خرید و فروش مواد مخدر، مصرف الکل، روابط نامشروع جنسی و دزدی به این مرکز انتقال داده شده بودند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد:

الف: پرسشنامه شخصیتی آیزنک: این آزمون توسط آیزنک (۱۹۹۸) ساخته شده و شامل ۵۷ سؤال است که شامل چهار مؤلفه روان رنجورگرایی، روان پریشی گرایی، برون گرایی و دروغ سنجی است. میزان پایایی در این آزمون به ترتیب برای مردان و زنان ۰/۸۴ و ۰/۸۰ در مقیاس روان رنجورگرایی، ۰/۸۸ و ۰/۸۴ در مقیاس برون گرایی، ۰/۶۲ و ۰/۶۱ در مقیاس روان پریشی گرایی و ۰/۷۷ و ۰/۷۳ در مقیاس دروغ سنجی گزارش شده است (بخشی پور و باقریان، ۱۳۸۵).

ب) پرسشنامه خودکنترلی تانجی: این آزمون در سال ۲۰۰۴ توسط تانجی و همکاران تهیه شده است و دارای ۳۶ ماده است. این آزمون با الهام از ابزارهای قبلی و برای برطرف کردن نواقص پرسشنامه‌هایی که برای سنجش خودکنترلی ساخته شده بودند، تهیه شده است. پاسخ‌های ۳۶ عبارت مقیاس در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از «اصلاً شباهت ندارد»=۱، کمی شباهت دارد=۲، بی نظر=۳، شباهت زیاد=۴ و شباهت خیلی زیاد=۵» در نظر گرفته شده است. نمره کل افراد در آزمون، در کمترین حالت ۳۶ و بیشترین حالت ۱۸۰ خواهد بود (تانجی، بامیستر و بون، ۲۰۰۴). برای بررسی اعتبار و روایی، پرسشنامه در دو مطالعه بر روی دو گروه دانشجوی دوره کارشناسی اجرا شد. نتایج بدست آمده در

مطالعه اول برای میانگین، انحراف معیار و آلفا، به ترتیب ۱۱۴/۴۸، ۱۸/۸۱، ۰/۸۹ و برای مطالعه دوم ۱۰۲/۶۶، ۱۸/۱۹، ۰/۸۹ برآورد شده است. برآوردهای همسانی درونی از پایایی بالا بود. آلفا برای مقیاس خودکنترلی کلی، ۰/۸۹ بود، بنابراین، این مقیاس از پایایی لازم برخوردار است (بهادری خسروشاهی و حبیبی کلپیر، ۲۰۱۷).

ج) مقیاس کنترل عواطف: این مقیاس توسط ویلیامز و همکاران (۱۹۹۷) طراحی شده و ابزاری برای سنجش میزان کنترل افراد بر عواطف خود و شامل ۴۲ سؤال با چهار زیرمقیاس فرعی با عناوین خشم، خلق افسرده، اضطراب و عاطفه مثبت است. مقیاس نمره‌گذاری به صورت لیکرت می‌باشد که فرد در هر پرسش میزان موافقت خود را در یک مقیاس ۷ درجه‌ای اعلام می‌دارد. حداکثر زمان برای اجرای آن ۱۵-۴۰ دقیقه است. نتایج پژوهش نشان داد که مقیاس کنترل عواطف از همسانی درونی معتبری برخوردار است و روایی آن مورد تأیید است. همچنین پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد (طهماسبیان و همکاران، ۱۳۹۳).

جهت اجرای این پژوهش ابتدا ابزارهای مورد نیاز تهیه و سپس فرایند نمونه‌گیری به مرحله اجرا گذارده شد و در پی آن ابزارهای مورد استفاده در بین افراد انتخاب شده توزیع و اطلاعاتی در رابطه با نحوه پرکردن ابزارها داده شد. نهایتاً داده‌های مورد نیاز استخراج و به واسطه نرم‌افزار SPSS.21 مورد تجزیه تحلیل قرار گرفتند. همچنین برای تحلیل داده‌ها از شاخص‌های توصیفی پراکندگی و تمایل مرکزی، ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه (همزمان) استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

در جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش نشان داده شده است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
خودکنترلی	۶۰	۱۰۰/۸۱	۸/۷۳
روان‌رنجورگرایی	۶۰	۹/۲۳	۲/۳۱
روان‌پریشی‌گرایی	۶۰	۸/۹۵	۳/۰۳
برون‌گرایی	۶۰	۵/۳۴	۱/۶۳
خشم	۶۰	۳۸/۴۴	۱۰/۲۸
خلق افسرده	۶۰	۳۵/۹۲	۱۰/۹۴
اضطراب	۶۰	۵۵/۴۲	۱۲/۵۴
عاطفه مثبت	۶۰	۴۹/۶۴	۱۰/۱۳

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانگین و انحراف معیار خودکنترلی به ترتیب ۱۰۰/۸۱ و ۸/۷۳ است. همچنین میانگین و انحراف معیار متغیرهای روان‌رنجورگرایی ۹/۲۳ و ۲/۳۱، روان‌پریشی-گرایی ۸/۹۵ و ۳/۰۳ و برون‌گرایی ۵/۳۴ و ۱/۶۳ است. از سویی میانگین و انحراف معیار متغیرهای خشم ۳۸/۴۴ و ۱۰/۲۸، خلق افسرده ۳۵/۹۲ و ۱۰/۹۴، اضطراب ۵۵/۴۲ و ۱۲/۵۴ و عاطفه مثبت نیز ۴۹/۶۴ و ۱۰/۱۳ می‌باشد.

ب) یافته‌های استنباطی

برای بررسی همبستگی بین صفات شخصیتی با خودکنترلی و کنترل عواطف از آزمون همبستگی گشتاوری پیرسون استفاده شد که نتایج در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای صفات شخصیتی با خودکنترلی و کنترل عواطف

متغیر	روان‌رنجورگرایی	روان‌پریشی‌گرایی	برون‌گرایی
۱- خودکنترلی	-۰/۵۶**	-۰/۳۹*	۰/۲۱
۲- خشم	۰/۳۳**	۰/۳۱**	-۰/۱۹
۳- خلق افسرده	۰/۵۵**	۰/۳۳**	-۰/۳۳**
۴- اضطراب	۰/۲۳	۰/۴۱**	-۰/۴۶**
۵- عاطفه مثبت	۰/۱۳	۰/۲۶	۰/۲۱
۶- نمره کل کنترل عواطف	۰/۳۱*	۰/۴۱*	-۰/۸۷

* $P < 0/05$ و ** $P < 0/01$

مندرجات جدول ۲ نشان داد که بین خودکنترلی با روان‌رنجورگرایی و روان‌پریشی رابطه منفی و معناداری دارد؛ اما بین خودکنترلی با برون‌گرایی رابطه‌ای مشاهده نشد. از سویی خشم و خلق افسرده با روان‌رنجورگرایی و روان‌پریشی‌گرایی رابطه مثبت و معنادار دارد؛ اما بین خشم با برون‌گرایی رابطه منفی و غیرمعنادار و خلق افسرده با برون‌گرایی رابطه منفی و معنادار دارد. همچنین اضطراب با روان‌رنجورگرایی رابطه مثبت و غیرمعنادار، با روان‌پریشی‌گرایی رابطه مثبت و با برون‌گرایی رابطه منفی و معنادار دارد. بین عاطفه مثبت نیز با روان‌رنجورگرایی، روان‌پریشی‌گرایی و برون‌گرایی رابطه‌ای مشاهده نشد. در نهایت نمره کل کنترل عواطف بین روان‌رنجورگرایی و روان‌پریشی‌گرایی رابطه مثبت و معنادار و با برون‌گرایی رابطه منفی و غیرمعنادار وجود دارد.

برای تعیین سهم هر یک از صفات شخصیتی (روان‌رنجورگرایی، روان‌پریشی‌گرایی و برون‌گرایی) در پیش‌بینی خودکنترلی و کنترل عواطف از تحلیل رگرسیون چندگانه همزمان یا استاندارد استفاده شد. در رگرسیون چندگانه استاندارد همه متغیرهای پیش‌بین به طور همزمان وارد تحلیل می‌شوند و هر متغیر

پیش‌بین براساس توان پیش‌بینی خودش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (پلنت،^۱ ۱۳۹۴). تحلیل مقدماتی به منظور اطمینان از عدم تخطی از مفروضه‌های نرمال بودن، خطی بودن، هم‌خطی و یکسانی پراکندگی انجام شد. مقادیر گزارش شده برای Tolerance و VIF حاکی از آن است که از مفروضه هم‌خطی تخطی نشده است (ارزش Tolerance کمتر از ۰/۱ و ارزش VIF بالای ۱۰ بیانگر تخطی از این مفروضه است).

جدول ۳: خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای تبیین متغیر ملاک براساس متغیرهای پیش‌بین

مدل	R	R ²	R ² تعدیل شده	F	سطح معناداری
۱	۰/۵۷	۰/۳۳	۰/۲۶	۴/۳۷	۰/۰۰۱

جدول ۴: خلاصه نتایج ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد برای پیش‌بین خودکنترلی بزهکاران

مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	استاندارد T	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد			
ثابت	۱۱/۴۶	۷/۵۴		۱۵/۵۶	۰/۰۰۱
روان‌رنجورخویی، روان‌پریشی‌گرایی و برون‌گرایی)	-۱/۷۴	۰/۶۰	-۰/۴۶	-۲/۸۹	۰/۰۰۷
روان‌پریشی‌گرایی	-۰/۹۳	۰/۵۵	-۰/۳۵	-۰/۹۶	۰/۰۰۳
برون‌گرایی	۰/۵۸	۰/۷۸	۰/۱۱	۰/۷۵	۰/۴۵

همان‌طور که در جدول ۳ نشان مشاهده می‌شود رگرسیون نمرات متغیرهای پیش‌بین (روان‌رنجورخویی، روان‌پریشی‌گرایی و برون‌گرایی) به طرف متغیر ملاک (خودکنترلی) از نظر آماری معنی‌دار است (۰/۰۰۱ < معناداری). از سویی مقدار (۰/۳۳) = بتا نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین قادرند به طور ترکیبی ۳۳٪ از تغییرات متغیر ملاک را به طور معنی‌داری پیش‌بینی کنند (۰/۳۳ = بتا؛ ۴/۳۷ = ثابت؛ ۰/۰۰۱ = سطح معناداری). همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود در این مدل دو متغیر از لحاظ آماری معنادار می‌باشند. دو مؤلفه روان‌رنجورخویی دارای ارزش بتای (۰/۴۶ = بتا، ۰/۰۰۷ = سطح معناداری) و مؤلفه روان‌پریشی‌گرایی دارای ارزش بتای (۰/۳۵ = بتا، ۰/۰۰۳ = سطح معناداری) بودند. با توجه به بتاهای به دست آمده، می‌توان گفت از لحاظ قدرت پیش‌بینی کنندگی ابتدا متغیر روان‌رنجورخویی و سپس متغیر روان‌پریشی‌گرایی قادر به پیش‌بینی خودکنترلی در بزهکاران هستند. از سویی برون‌گرایی قادر به پیش‌بینی خودکنترلی نبود.

جدول ۵: خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای تبیین متغیر ملاک بر اساس متغیرهای پیش‌بین

مدل	R	R ²	R ² تعدیل شده	F	سطح معناداری
۱	۰/۴۱	۰/۱۷	۰/۱۶	۲/۱۵	۰/۰۱

جدول ۶: خلاصه نتایج ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد برای پیش‌بینی کنترل عواطف بزهکاران

مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد بتا	T	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد			
ثابت	۱۲/۲۹	۳۰/۴۶		۴/۱۷	۰/۰۰۱
روان‌رنجورگرایی	۱/۵۲	۲/۱۸	۰/۳۲	۰/۶۹	۰/۰۳
روان‌پریشی‌گرایی	۳/۴۹	۱/۷۵	۰/۳۵	۱/۹۹	۰/۰۴
برون‌گرایی	۰/۹۶	۳/۳۲	۰/۳۱	۰/۰۸	۰/۰۴

همان‌طور که در جدول ۵ نشان مشاهده می‌شود رگرسیون نمرات متغیرهای پیش‌بین (روان‌رنجورخویی، روان‌پریشی‌گرایی و برون‌گرایی) به طرف متغیر ملاک (کنترل عواطف) از نظر آماری معنی‌دار است ($0/001 < \text{معناداری}$) از سویی مقدار $R^2 = (0/17)$ نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین قادرند به طور ترکیبی ۱۷٪ از تغییرات متغیر ملاک را به طور معنی‌داری پیش‌بینی کنند ($R^2 = 0/17$; $F = 2/15$; $0/001 = \text{معناداری}$). همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود در این مدل سه متغیر از لحاظ آماری معنادار می‌باشند. سه مؤلفه روان‌رنجورخویی دارای ارزش بتای ($0/32 = \text{بتا}$ ، $0/03 = \text{معناداری}$)، مؤلفه روان‌پریشی‌گرایی دارای ارزش بتای ($0/35 = \text{بتا}$ ، $0/04 = \text{معناداری}$) و مؤلفه برون‌گرایی دارای ارزش بتای ($0/31 = \text{بتا}$ ، $0/04 = \text{معناداری}$) بودند. با توجه به نتایج به دست آمده، می‌توان گفت از لحاظ قدرت پیش‌بینی‌کنندگی ابتدا متغیر روان‌پریشی‌گرایی و سپس متغیر روان‌رنجورگرایی و در نهایت برون‌گرایی قادر به پیش‌بینی کنترل عواطف در بزهکاران هستند. در واقع صفات شخصیتی قادر به پیش‌بینی کنترل عواطف هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی صفات شخصیتی پیش‌بینی‌کننده خودکنترلی و تنظیم عاطفی در بزهکاران: تحلیل ارتکاب جرم بر حسب روان‌شناسی شخصیت بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین خودکنترلی با روان‌رنجورگرایی و روان‌پریشی رابطه منفی و معناداری دارد؛ اما بین خودکنترلی با برون‌گرایی رابطه‌ای مشاهده نشد. این یافته با نتایج پژوهش‌های دونلان و همکاران (۲۰۰۲)، مارکی و همکاران (۲۰۰۳) همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که خودکنترلی مجموعه‌ای از مکانیزم‌هایی است که بزهکاری و رفتارهای مشابه را کنترل می‌کند. فرد با خودکنترلی پایین نمی‌تواند در برابر وسوسه‌ها در یک دوره کوتاه مدت مقاومت کند و دست به اعمالی غیرقراردادی و غیرقانونی می‌زند. همچنین بزهکاران نارسایی قابل توجهی در کنش اجرایی بازداری دارند. بازداری رفتاری باعث می‌شود فرایندهای شناختی سطح پایین‌تر از تداخل دور مانده و فرایند خودکنترلی (خودنظم‌جویی) به جریان بیفتد تا فرد بتواند رفتار خود را با شرایط محیطی سازگار نماید، در صورتی که نارسایی در بازداری رفتاری به عدم کنترل افکار، اعمال و هیجانات منتهی شده و باعث بروز رفتارهای تکانشی ناسازگارانه و غیرارادی می‌شود و این زمینه‌ساز بروز رفتار بزهکارانه در افراد می‌شود (ویتاکو و رگورز،^۱ ۲۰۰۱). همچنین مارکی و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند افرادی که در روان‌آزردگی نمره بالایی کسب می‌کنند، عقاید غیرمنطقی بالایی داشته و از خودکنترلی پایینی برخوردار بوده و خیلی ضعیف‌تر از دیگران با تنیدگی کنار می‌آیند و بیشتر درگیر رفتارهای بزهکارانه می‌شوند.

گاتفردسون و هیرشی اظهار کردند که خودکنترلی عمده‌ترین منبع مقاومت کننده در برابر تمایلات مجرمانه است. تمایل عمومی به عواطف منفی مانند ترس، غم، دستپاچگی، عصبانیت، احساس گناه و نفرت ویژگی افراد روان‌آزرده‌گرا است و بر این اساس انتظار می‌رود افرادی که در روان‌آزردگی گزایی نمره بالایی کسب می‌کنند عقاید غیرمنطقی داشته باشند و کمتر قادر به مهار تکانه‌های خود باشند و از خودکنترلی کمتری برخوردارند و خیلی ضعیف‌تر از دیگران با تنیدگی کنار بیایند و بیشتر درگیر رفتارهای بزهکارانه شوند. تنوع‌طلبی، خلاقیت، آزردگی و جاه‌طلبی این افراد پیش‌بینی‌کننده مثبت بزهکاری باشد؛ زیرا مجموع این ویژگی‌ها فرد را مستعد نابهنجاری می‌کند (حسین‌خانزاده و طاهر، ۱۳۹۳).

یافته دیگر پژوهش نشان داد که خشم و خلق افسرده با روان‌رنجورگرایی و روان‌پریشی‌گرایی رابطه مثبت و معنادار دارد؛ اما بین خشم با برون‌گرایی رابطه منفی و غیرمعنادار و خلق افسرده با برون‌گرایی رابطه منفی و معناداری دارد. همچنین اضطراب با روان‌رنجورگرایی رابطه مثبت و غیرمعنادار، با روان‌پریشی‌گرایی رابطه مثبت و با برون‌گرایی رابطه منفی و معناداری دارد. بین عاطفه مثبت نیز با روان‌رنجورگرایی، روان‌پریشی‌گرایی و برون‌گرایی رابطه‌ای مشاهده نشد. در نهایت نمره کل کنترل عواطف بین روان‌رنجورگرایی و روان‌پریشی‌گرایی رابطه مثبت و معنادار و با برون‌گرایی رابطه منفی و غیرمعنادار وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های بانو و همکاران (۲۰۰۴)، موریاتی و همکاران (۲۰۰۱) و حسین‌خانزاده و طاهر (۱۳۹۳) همسو است. در تبیین این یافته آیزنک معتقد بود که

تفاوت‌های اصلی بین درون‌گرایی و برون‌گرایی رفتاری نیست، بلکه زیستی و ژنتیکی است و علت اصلی آن در سطح انگیزندگی مغزی آن‌ها است. افراد برون‌گرا بر خلاف افراد درون‌گرا، سطح انگیزندگی مغزی پایین‌تر و آستانه‌ی حسی بالاتر دارند، به تحریک حسی واکنش کمتری نشان می‌دهند و به خاطر پایین بودن سطح برانگیزندگی مغزی‌شان به تحریک نیاز دارند و به طور فعال آن را می‌جویند و لذا این افراد برون‌گرا به دلیل داشتن جنبه‌های مثبت، کمتر به خلق منفی و اضطراب و افسردگی دچار می‌شوند (حسین‌خانزاده و طاهر، ۱۳۹۳). آیزنک همچنین معتقد است احتمال بروز رفتارهای مجرمانه در فرد هیجان‌پذیر بیش از شخصی است که نمرات پایینی در این بعد به دست می‌آورد. چرا که هیجان‌پذیری می‌تواند همانند یک کشاننده، فرد را به انجام رفتارهای عادی خود وادارد. به عبارتی دیگر در شرایط هیجانانگیز شدید، یک شخص در برابر عادت‌های خوب یا بد خود آسیب‌پذیر می‌شود و اگر عادت‌های ضداجتماعی در وی ایجاد شده باشد در شرایط هیجانی، تمایل وی به انجام آنها بیشتر خواهد شد و درون‌گرایی، مبادرت بین اعمال را تشدید خواهد کرد (موریاتی و همکاران، ۲۰۰۱). همچنین در زمینه کنترل عواطف و بزهکاری بانو و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که کنترل عواطف مانند خشم، کینه‌توزی، اضطراب و افسردگی به عنوان متغیرهای واسطی بین تعارضات بین فردی و بزهکاری عمل می‌کنند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که صفات شخصیتی قادرند تغییرات خودکنترلی و عواطف را در بزهکاران پیش‌بینی کنند. ارتباط بین صفات شخصیتی عمده و بزهکاری این است که یک انسان صفات و گرایش‌های مختلفی دارد و لزوماً یک صفت واحد و منحصر به فرد نمی‌تواند پیش‌بینی‌کننده بروز رفتار بزهکارانه در فرد باشد، بلکه آنچه مهم است نحوه ترکیب و تعامل بین این صفات در فرد است؛ به این معنا که ممکن است یک فرد با نمره بالا در عامل روان‌آزردگی‌گرایی به رفتارهای بزهکارانه بپردازد، ولی فرد دیگری با روان‌آزردگی بالا این گونه رفتارها را بروز ندهد که این نشان می‌دهد این صفات شخصیتی تحت تأثیر خودکنترلی و کنترل عواطف در بزهکاران قرار دارند که می‌توان صفات شخصیتی را تعدیل کند. بنابراین صفات شخصیتی می‌توانند با توجه به خودکنترلی و ایجاد عواطف مثبت یا منفی با بزهکاری در افراد در ارتباط باشند (مارکی و همکاران، ۲۰۰۳). روان‌رنجورگرایی دارای ویژگی‌هایی مثل گرایش به اضطراب، افسردگی، دمدمی مزاجی، خجالتی بودن، تندیگی و نامعقولی همراه با احساس گناه، عزت‌نفس پایین هستند. این ویژگی‌ها به خوبی می‌توانند عواطف منفی را در بزهکاران تبیین کنند. وجود گرایش‌های منفی عاطفی در این افراد زمینه‌ساز کاهش خودکنترلی محسوب می‌شوند (نگرانی، ناامنی، به خود مشغولی و تغییر خلق). به طوری که فرد دارای خصلت روان‌رنجورگرایی را به هنگام روبرویی با محرک‌های استرس‌زا در معرض افسردگی قرار می‌دهد. این افراد بسیار مستعد اضطراب و کناره‌گیری سریع از موقعیت‌های ناکام‌کننده هستند. بنابراین، به خوبی

می‌توان علت رابطه بین روان رنجورگرایی را با عواطف منفی تبیین نمود (ازینگا و همکاران، ۲۰۰۸). آیزنک مطرح می‌کند که روان رنجورگرایی نسبتاً وراثت‌پذیر است و برای این بعد شخصیتی شالوده زیستی قایل است که از نسلی به نسل دیگر قابل انتقال می‌باشد. از نظر آیزنک افراد واجد روان رنجورگرایی دارای سیستم خودکار تحریک‌پذیر هستند که این نوع از واکنش‌پذیری زیستی افراطی، به ناپایداری روانی منجر می‌شود. بنابراین، آمادگی زیست‌شناختی که عامل روان رنجورگرایی و روان‌آزردگی بالا در افراد بزهکار فراهم می‌سازد، برای هیجان‌ات منفی و ناسازگاری‌های رفتاری بعدی در این افراد می‌تواند از علل اولیه و اصلی خودکنترلی پایین محسوب شود و میزان بزهکاری را نیز افزایش دهد (آیزنک، ۱۹۹۸). به طوری که خودکنترلی مجموعه‌ای از مکانیزم‌هایی است که بزهکاری و رفتارهای مشابه را کنترل می‌کند و فرد با خودکنترلی پایین نمی‌تواند در برابر وسوسه‌ها در یک دوره کوتاه مدت مقاومت کند و دست به اعمالی غیر قراردادی و غیرقانونی می‌زند (ازینگا و همکاران، ۲۰۰۸).

بزهکارانی که در مقیاس روان‌پریشی بالا هستند قادر به پیش‌بینی عواطف منفی و خودکنترلی هستند. به طوری که این افراد خودمحور بوده، به دیگران توجه ندارند. با مرجعی سازگار نبوده و ممکن است خشن و غیرانسانی عمل کنند. آنان حتی نسبت به دیگران مثل آشنایان و وابستگان ممکن است خصمانه رفتار کنند و حتی نسبت به افراد مورد علاقه‌شان پرخاشگرند. بنابراین، بالا بودن عامل روان‌پریش‌گرایی در بزهکاران زمینه‌ساز رفتارهای خشونت‌آمیز می‌باشد؛ اما واکنش‌هایی که احتمالاً چنین رفتارهایی در دیگران ایجاد می‌کند از قبیل طرد و اجتناب از این افراد، واکنش‌های منفی در روابط با آنها، می‌تواند شبکه اجتماعی و ارتباطی آنان را کوچک‌تر ساخته و در نهایت طرد شدگی، منزوی شدن و از اکثریت افراد به‌هنگار جامعه، احساس ناایمنی و اضطراب و در نهایت افسردگی را به دلیل ناکامی‌های اجتماعی در افراد افزایش دهد (پرات و کولن، ۲۰۰۰). به هر حال، در پایین‌ترین سطح به نظر می‌رسد که خودکنترلی و تنظیم عواطف با سازه‌هایی که به خوبی در صفات شخصیت شناخته شده‌اند مطابقت دارد و بیش‌های صحیح حاصل از این زمینه می‌تواند در فهم ماهیت و ریشه‌های ارتکاب جرم مفید باشد.

این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود. اول اینکه در پژوهش حاضر از روش خودگزارشی و پرسشنامه برای سنجش متغیرهای پژوهش استفاده شد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی برای بررسی این متغیرها، از مصاحبه، یادآوری‌های برانگیخته شده، گفتگو یا مکالمه‌ها و یادداشت‌های روزانه استفاده گردد تا نتایج دقیق‌تری حاصل گردد. همچنین این پژوهش ممکن است در بافت‌های

تحصیلی و گروه‌های سنی متفاوت تغییر یابند؛ بنابراین پژوهش‌های دیگری ترجیحاً طرح‌های پژوهشی طولی لازم است تا به روابط چندمتغیری بین صفات شخصیتی با خودکنترلی و کنترل عواطف در گروه‌های سنی متفاوت بپردازد.

پیشنهادها

براساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود که در کنار مراکز مداخله در بحران، مراکز مداخله قبل از بحران نیز شکل گیرد. این مراکز می‌توانند افرادی را که در معرض بزهکار شدن قرار دارند مانند فرزندان خانواده‌هایی که در آن‌ها سابقه طلاق، اعتیاد، اختلافات خانوادگی و نظایر آن وجود دارد شناسایی کرده و در معرض مداخلات روانی، زیستی، اجتماعی و خانوادگی قرار دهند و از این طریق میزان خودکنترلی آن‌ها در برابر بسیاری مشکلات افزایش یابد. همچنین با توجه به شیوع بالای اختلال‌های شخصیت در افراد مجرم و بزهکار لازم است از متخصصان روان‌شناس جهت فعالیت‌های مشاوره‌ای و آموزش والدین استفاده کرد تا به پایداری وضعیت خانواده در ممانعت از وضعیت بزهکاری افراد کمک شود. همچنین می‌توان با ایجاد نگرش‌های مثبت در افراد نسبت به قوانین و مقررات و پلیس و نظایر آن، مهارگری اعتدال‌گرایانه در انتخاب دوستان مناسب توسط خانواده و مدرسه، واکنش مناسب نسبت به رفتارهای نادرست و تنبیه آن‌ها از طریق عدم ابراز توجه به آن‌ها در جهت کاهش رفتارهای بزهکارانه گام برداشت.

- بخشی‌پور، عباس؛ باقریان، صنم (۱۳۸۵). ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه آیزنگ، مجله روانشناسی معاصر، دوره ۱، شماره ۳؛ صص ۱۲-۳.
- بگیان‌کوله‌مرز، محمدجواد؛ برقی‌ایرانی، زیبا؛ بختی، مجتبی و رضایی‌فرد، اکبر (۱۳۹۳). راهبردهای خودتنظیمی تحصیلی و کنترل عواطف در پیش‌بینی رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان دارای ناتوانی‌های یادگیری، فصلنامه کودکان استثنایی، دوره ۱۴، شماره ۲؛ صص ۵۶-۴۳.
- حسین‌خانزاده، عباسعلی؛ طاهر، محبوبه (۱۳۹۳). مطالعه‌ی تحلیلی ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان بزهکار. پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۵، شماره ۱؛ صص ۵۳-۳۱.
- حیدری، مسعود؛ نوری، ابوالقاسم (۱۳۹۵). بررسی نقش ویژگی‌های شخصیت در پیش‌بینی نشانگان وانمودگرایی و افسردگی در نوجوانان دختر بزهکار. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، دوره ۱۷، شماره ۱؛ صص ۱۰۲-۹۵.
- شایگان، فریبا؛ معتمدی، صدیقه (۱۳۹۳). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در بزهکاری زنان. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، دوره ۱۶، شماره ۶۳؛ صص ۱۹۸-۱۶۳.
- محمدزاده، علی؛ واحدی، مجید؛ قربانی، کریم؛ جعفری، عیسی (۱۳۹۵). بررسی نقش صفات شخصیت و اشتیاق شغلی در پیش‌بینی استرس پرستاری در پرستاران ارتوپدی بیمارستان شهدا تبریز. فصلنامه بیمارستان. دوره ۱۵، شماره ۱؛ صص ۷۶-۶۹.
- طهماسبیان، حجت‌اله؛ خزایی، حبیب‌اله؛ عارفی، مختار؛ سعیدی‌پور، مهشید؛ حسینی، سیدعلی (۱۳۹۳). هنجاریابی آزمون مقیاس کنترل عواطف. مجله علوم پزشکی کرمانشاه، دوره ۱۸، شماره ۶؛ صص ۳۵۴-۳۴۹.
- Bahadorikhosroshahi, J., & Habibi-Kaleybar, R. (2017). Comparison of self-control and metacognition components in normal minors and juvenile delinquents at correction and rehabilitation centers. *Journal Research & Health*, 7(5), 1048- 1054.
- Bao, W., Haas, A., & Pi, Y. (2004). Life strain, negative emotions, and delinquency: An empirical test of general strain theory in the People's Republic of China. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 48, 281-297.
- Cheung, W.T., & Cheung, Y.W. (2008). Self-control, social factors, and delinquency: A test of the general theory of crime among adolescents in Hong Kong. *Journal Youth Adolesc*, 37(4), 412-430.
- Deutsch, A.R., Crockett, L.J., Wolff, J.M., & Russell, S.T. (2012). Parent and peer pathways to adolescent delinquency: Variations by ethnicity and neighborhood context. *Journal of Youth and Adolescence*, 41(8), 1078-1094.

- Donnellan, M.B., Ge, X., & Wenk, E. (2002). Personality characteristics of juvenile offenders: differences in the CPI by age at first arrest and frequency of offending. *Personality and Individual Differences*, 33, 727-740.
- Eysenck, H. J. (1998). Personality and crime. In T.Millon, E. Simonsen, M., Birket-Smith, & R. D. Davis (EDS.), *Psychopathy: Antisocial, Criminal, And Violent Behavior* (PP. 40-49). New York: Guilford.
- Eysenck, H. J., & Gudjonsson, G. H. (1989). *The causes and cures of criminality*. New York: Plenum Press.
- Eysenck, H. J. (1977). *Crime and personality*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Ezinga, M.A.J., Weerman, F.M., Westenberg, P.M., & Bijleveld, C.C.J.H. (2008). Early adolescence and delinquency: levels of personality development and self-control as an explanation of rule breaking and delinquent behaviour. *Psychology, Crime, and Law*, 14(4), 339-356.
- Fritz, V. M., Wiklund, G., Kuposov, R. A., Klinteberg, B. A., & Ruchkin, V.V. (2008). Psychopathy and violence in juvenile delinquents: what are the associated factors? *International Journal of Law and Psychiatry*, 31, 272-279.
- Gottfredson, M. R., & Hirschi, T. (1990). *A general theory of crime*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Gross, J. (1998). The Emerging Field of Emotion Regulation: An Integrative Review. *Review of General Psychology*, 2, 271-299.
- Jolliffe, D. (2013). Exploring the relationship between the five-factor model of personality, social factors and self-reported delinquency. *Journal Personality Individ Dif*, 55, 47-52.
- Jones S. E., Miller J. D., & Lynam D. R. (2011). Personality, antisocial behavior, and aggression: A meta-analytic review. *Journal of Criminal Justice*, 39, 329-337.
- Kofler-Westergren, B., Klopff, J., & Mitterauer, B. (2010). Juvenile delinquency: Father Absence, conduct disorder, and substance abuse as risk factor triad. *International Journal of Forensic Mental Health*, 9(1), 33-43.
- Koolhof, R., Loeber, R., Wei, E.H., Pardini. D., & D'Escury, A.C. (2007). Inhibition deficits of serious delinquent boys of low intelligence. *Crim Behav Ment Health*, 17 (5), 274-292.
- Markey, C.N., Markey, P.M., & Tinsley, B.J. (2003). Personality, puberty, and preadolescent girls risky behaviors: examining the predictive value if the five-factor model of personality. *Journal of Research in Personality*, 37, 405-419.

- Moriarty, N., Stough, C., Tidmarsh, P., Eger, D. & Dennison, S. (2001). Deficits in emotional intelligence underlying adolescent sex offending. *Journal of Adolescence*, 24, 19.
- Pratt, T. C. & Cullen, F. T. (2000). The empirical status of Gottfredson and Hirschi's general theory of crime: A meta-analysis. *Criminology*, 38, 931-964.
- Tangney, J.P., Baumeister, R.F., & Boone, A.L. (2004). High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades and interpersonal success. *Journal Personality*, 72 (2), 271-324.
- Vera, E.P., & Moon, B. (2013). An Empirical Test of Low Self-control Theory .among Hispanic Youths. *Youth Violence Juv Justice*, 11(1), 79-93.
- Vitacco, M.J., & Rogers, R. (2001). Predictors of adolescent psychopathy: The role of impulsivity, hyperactivity, and sensation seeking. *Journal Am Acad Psychiatry the Law*, 29 (4), 374- 382
- Williams, K. E., Chambless, D. L., & Ahrens, A. H. (1997). Are emotions frightening? An extension of the fear of fear construct. *Behavior Research and Therapy*, 35, 239-248.